

حبیب بن مظاهر اسوه برتر ولایت مداری و فضایل اخلاقی

دکتر سید مسعود عمرانی^۱

تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۹/۱۴

چکیده

جامعه اسلامی، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند به معرفی الگویی شایسته و ولایت مدار است که تمامی ابعاد رفتاری اش با اسلام واقعی، هم‌خوانی داشته باشد. یکی از این الگوهای شایسته، حبیب بن مظاهر است که از نظر امام شناسی و فضایل اخلاقی، در اوج بزرگی بود. حبیب به‌رغم معصوم نبودن، دارای صفاتی است که او را از سایر اصحاب اهل بیت علیهم‌السلام جدا می‌سازد. در این نوشتار، سعی شده است با روش توصیفی - تحلیلی، شاخصه‌های ولایت مداری و فضایل اخلاقی وی با استناد به گزارش‌های تاریخی و روایات معتبر بررسی و تبیین شود. **کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه‌السلام، حبیب بن مظاهر، عاشورا، فضایل اخلاقی، کربلا، ولایت مداری.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان. seyedmasoudemrani@yahoo.com

مقدمه

عاشورا محلّ نزاع صفات نیک و بد و فضائل و رذائل است. امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش مظهر کامل صفات اخلاقی بودند که در برابر همه رذیلت‌ها، خباثت‌ها و زشتی‌هایی که لشکرامویان به فرماندهی عمر سعد از خود نشان دادند، جنگیدند. تاریخ عاشورا، زیباترین شاخصه‌های وفاداری و ولایت‌مداری را برای اصحاب امام حسین علیه السلام و اوصافی مانند رذالت و فرومایگی را برای لشکرامویان، ثبت کرده است. مقایسه خصلت‌ها و ویژگی‌های رفتاری این دو لشکر، برای امروز ما درس آموز و عبرت‌انگیز است.

حبیب بن مظاهر در شمار طلایه‌داران اصحاب امام حسین علیه السلام است که از ابتدای تا آخرین دقایق زندگی خود، در کنار امامان خویش ایستاد و با تمام وجود از آنها دفاع کرد. اکثر مقالاتی که پیرامون وی نگاشته شده، ماجرای شهادت و ایثار او را در روز عاشورا بررسی کرده‌اند؛ اما مقاله پیش رو می‌کوشد با توجه به جایگاه ویژه او نزد اهل بیت علیهم السلام شاخصه‌های ولایت‌مداری، فضایل اخلاقی و ابعاد رفتاری اش را مورد واکاوی قرار دهد تا محبان ائمه اطهار علیهم السلام بتوانند بیش از پیش با شناخت و الگوگیری از این شخصیت، گفتار و عمل خود را مورد تأیید امام زمان علیه السلام قرار داده و مثل سردار سلیمانی‌ها، جلوه حبیب بن مظاهر در عصر خود شوند.

فضایل اخلاقی

فضایل جمع فضیله، به معنای درجه، برتری و امتیاز است و متضاد آن، رذیله است که به معنای پستی و عیب می‌باشد و جمع آن رذایل، به معنای پستی و فرومایگی است (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۶۶). واژه اخلاق، جمع خُلُق به معنای خوی و طبع است که وقتی می‌گویند: سُوءُ الخُلُقِ یعنی بداخلاق؛ سَهْلُ الخُلُقِ یعنی نرم خوی و خوش طبع (همان، ۳۷۲). بنابراین می‌توان گفت منظور از فضایل اخلاقی همان درجه و بزرگی خوی طبیعی یک فرد است.

ولایت‌مداری

ولایت در لغت از ماده وُلّی به معنای ای نظیر تسلّط، نزدیکی، قدرت، فرمانروایی،

نصرت، محبت، عهده‌داری کاری، حکم، پشتیبانی، زمامداری، سرپرستی و تصرف در اشیاء و امور انسان‌ها آمده است. ولی راغب، در کتاب مفردات معنای اصلی آن را، نزدیکی دو چیز به هم دانسته به طوری که فاصله‌ای میانشان نباشد. این نزدیکی یا پهلو درآمدگی بی فاصله شامل هر نوع نزدیکی مادی و مکانی و معنوی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۸۸۵). برایین اساس، نزدیکی و پیوند قلبی یا محبت‌ورزی افراد به مولا و صاحب تصرف خود، تعریف جامعی از معانی ولایت است. به گفته علامه طباطبایی (۱۴۱۷: ۱۳/۳۱۷)، ولایت، به معنای سرپرستی و مالکیت تدبیر است. این معنا، معنایی عمومی است و در تمامی مشتقات آن جریان دارد. از نظری ولایت عبارت است از یک نوع قرب و نزدیکی که موجب نوع خاصی از حق تصرف و مالکیت تدبیر می‌شود. روایات بسیاری، ولایت را از اساسی‌ترین و مهم‌ترین پایه‌ها و ارکان دین اسلام برشمرده‌اند؛ زیرا شامل مسأله سرپرستی و زمامداری امور دینی اعم از ظاهری و باطنی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، عبادی و اجتماعی می‌شود؛ در واقع توحید و ولایت یک حقیقت‌اند و یکی ظهور دیگری است، ولایت مجرای توحید است؛ چون ولایت تنها به خداوند اختصاص دارد و پیامبران و اولیای خاص الهی همگی مجاری و مظاهر ولایت مطلقه و کلیه ربوبی حق تعالی می‌باشند (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۶۸؛ طهرانی، ۱۴۲۶: ۲/۲۰۶).

زندگی‌نامه حبیب بن مظاهر

حبیب بن مظاهر ملقب به اسدی و منسوب به قبیله بنی‌اسد است. این طایفه، افتخارات فراوانی داشت و افراد آن، خوش‌نام و خدمت‌گزار پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بودند. این قبیله، پس از حادثه عاشورا، افتخار دفن شهدای کربلا را از آن خود کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۱۴).

منابع متقدم، نام پدر حبیب را، گاه به صورت مُظَهَّری و گاه مُظَهَّر و برخی مُظَهَّر ذکر کرده‌اند اما با استناد به آنچه در زبان‌ها و زیارات مشهور است، مظاهر صحیح‌تر می‌باشد (مامقانی، ۱۴۲۳: ۱۷/۳۹۴). وی حدود یک سال قبل از بعثت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا

آمد. وقتی او به دنیا آمد، پیامبر گرامی اسلام حدود ۳۹ سال داشتند. به این ترتیب، حبیب توفیق پیدا کرد نزدیک به ۲۴ سال در برهه‌ای از تاریخ زندگی کند که دوران حیات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲/۱۴۲). بعد از رحلت آن حضرت، نامش در زمره شیعیان حضرت علی علیه السلام نوشته شده و سپس محضر مبارک امام مجتبی علیه السلام را درک کرد تا اینکه در رکاب قبله عاشقان؛ حضرت سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسید و نامش در زمره هفتاد و دو شهید کربلا، ثبت و در تاریخ جاودانه شد. بنابراین وی از جمله افرادی بود که چشم‌هایش به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله و پنج امام معصوم علیهم السلام روشن شد (ابن داوود، ۱۳۹۲: ۴).

درباره چرایی جدا بودن قبر حبیب از سایر شهدا، تحلیل‌ها و گزارش‌هایی نظیر این که قبیله بنی‌اسد، به پاس حرمت و شأن حبیب که رئیس قبیله ایشان بود، او را نزدیک سر مطهر امام حسین علیه السلام دفن کردند، بیان شده است؛ ولی مستند قابل اعتباری برای این تحلیل نیافتیم و شاید این توجیه، تنها به عنوان یک احتمال مطرح شده باشد. اکنون قبر پاک این فدایی پاک باخته با ضریح کوچک و زیبایی که دارد، در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام و در سمت چپ در ورودی از سمت قبله قرار داد (قائدان، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

شاخصه‌های ولایت‌مداری در زندگانی حبیب بن مظاهر

صرف محبت داشتن و ادعای ولایت و شیعه‌گری، نمی‌تواند مجوزی برای امتیاز نسبت به سایر افراد باشد؛ چرا که در میان افرادی که برای امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و ادعای محبت کردند، فقط تعداد بسیار کمی مثل حبیب به گفته خود عمل نموده و جزو شهدا در رکاب آن حضرت قرار گرفتند. با دقت در سخنان اهل بیت علیهم السلام شاخصه‌هایی را ملاحظه می‌کنیم که علاوه بر محبت، باید به آنها مزین شد تا در ادعایمان صادق و از این امتیازات بهره‌مند باشیم. برخی از مهم‌ترین این شاخصه‌ها عبارتند از:

۱. شناخت اهل بیت علیهم السلام و جایگاه آنها در آفرینش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس احادیث مشهور از قبیل حدیث متواتر ثقلین، بارها تا لحظات پایان عمر خود، امتشان را به شناخت اهل بیت علیهم السلام و محبت و اطاعت از ایشان

در کنار قرآن، سفارش فرموده‌اند. معصومان نیز در روایات بسیاری، معرفت امام معصوم را عامل سعادت دنیا و آخرت، جهل و نافرمانی به او را، عامل شقاوت و هلاکت ابدی، معرفی نموده‌اند. به عنوان نمونه در روایتی آورده شده که امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس می‌فرماید: «اگر بنده‌ای صد سال میان رکن و مقام خدا را بندگی کند، روزها را روزه بگیرد و شب‌ها را به تهجد و راز و نیاز بگذراند تا جایی که از شدت پیری، ابروانش روی چشمانش را بگیرد و استخوان‌های گردنش، در سینه‌اش فرو رود ولی نسبت به حق ما جاهل باشد و جایگاه ما را نشناسد، هرگز برای او پاداشی نخواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷ / ۱۷۷). حبیب نیز که بزرگ شده این مکتب است، به این مهم توجه نموده و دنبال شناخت هرچه بیشتر مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام بوده است. بنا بر روایتی، وی از امام حسین علیه السلام پرسید که شما پیش از آفرینش آدم چه بودید؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «ما اشباهی از نور بودیم که دور عرش می‌چرخیدیم و فرشتگان را تسبیح و تحمید و تهلیل می‌آموختیم» (همان، ۵۷ / ۳۱۱).

۲. محبت و عشق به معصومان علیهم السلام

محبت، یعنی رغبت و میل انسان به چیزی. اگر این میل باطنی و رغبت دل به چیزی شدید و قوی شود، آن را عشق می‌نامند (طریحی، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۰). در روایتی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هیچ بنده‌ای ایمان ندارد، مگر اینکه من نزد او از خودش محبوب تر باشم و ذریه من پیش او از ذریه خودش محبوب تر باشد و اهل من، نزد او از اهل خودش محبوب تر بوده و ذات من، پیش او از ذات خودش محبوب تر باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷ / ۸۶) بر اساس این حدیث، محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله باید در حدی باشد که نه تنها خود پیامبر صلی الله علیه و آله؛ بلکه فرزندان ایشان را بر خود و فرزندان خویش مقدم دانسته، دوستی آنها را بیش از دوستی هر کسی بداند و اگر هر اندازه از این حد پایین تر باشد، به همان اندازه در ایمان، نقص وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر، درجات ایمان با درجات حب معصومان علیهم السلام سنجیده می‌شود. نقل شده است محبت اصحاب امام حسین علیه السلام و از جمله حبیب به قدری به آن حضرت زیاد بوده که حتی درد شمشیر، تیرو

نیزه را احساس نمی‌کرده‌اند (اسمعیلی، ۱۳۹۲: ۳۹۲) و همین بس که وجود مبارک امام حسین علیه السلام، تعبیر عشاق را برای توصیف اصحاب خود، اختیار نموده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱ / ۲۰۵).

۳. تبعیت محض از اهل بیت علیهم السلام

در آیه مودت، دوستی خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله مزد رسالت آن حضرت معرفی شده است (شوری / ۲۳). مودت، نوع خاصی از محبت است. محبتی که همراه با تبعیت از محبوب باشد و اثر آن در عمل محبت ظاهر گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۶۶). همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از شیعیان ما نیست کسی که به زبان، شیعه بودن خود را اظهار کند؛ ولی در رفتار، مخالف ما و رفتار ما باشد. شیعه کسی است که با زبان و قلبش موافق ما باشد و از آثار ما پیروی کند و طبق رفتار ما رفتار نماید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۲۴۷). تبعیت از امام علیه السلام به سن و سال، جوان یا پیر بودن نیست. در زمان حضرت علی علیه السلام افرادی بودند که ولایت امام علیه السلام را بر خود لازم می‌دانستند، هر چند از نظر سن، اختلاف زیادی با آن حضرت داشتند؛ از جمله می‌توان به سلمان فارسی اشاره کرد که با وجود اینکه حدود ۲۰۰ سال با امام علیه السلام اختلاف سنی داشت؛ اما مانند بردگان، در برابر حضرت خاضع و فروتن بود (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۹۱). حبیب نیز چندین سال از سیدالشهدا علیه السلام بزرگ‌تر بود؛ اما چنان در برابر آن حضرت خود را کوچک می‌دانست که گویا چندین سال از ایشان کوچک‌تر است و این همان شرط تبعیت از امام علیه السلام است که باید بی‌چون و چرا امر امام علیه السلام را اطاعت کرد.

۴. بی‌زاری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام

در بیست سوره از قرآن، ماده براءت و مشتقات آن، سی بار ذکر شده است؛ قرآن براءت و تبرّی را بیشتر به معنای لغوی به کار برده است و اصل مشترک در آن مفارقت کردن از دشمنان خدا و خروج از عهد و پیمان مشرکان و کفار و منقطع شدن و گسستن از پیروان باطل است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱ / ۲۵۹). در احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام نیز بر اهمیت تبرّی تأکید شده و براءت را یکی از مهم‌ترین و استوارترین

رشته های ایمان و ولایت ذکر کرده اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶ / ۲۴۲).

همراهی حبیب با امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام در تمام جنگ ها و همچنین حرکت به موقع و شایسته وی در خارج شدن از کوفه و پیوستن به امام حسین علیه السلام، رجزخوانی او در روز عاشورا، سخنرانی او پیرامون حمایت از امام علیه السلام و انزجار از حکومت یزید، بهترین مصداق ابراز تبصری و مخالفت وی با مخالفان اهل بیت علیهم السلام بوده است.

۵. محور دانستن امامان علیهم السلام در زندگی

روایات اهل بیت علیهم السلام و ادعیه ای که از آن بزرگان به دست ما رسیده، بیانگر این است که حضور و وجود معصومان علیهم السلام به عنوان واسطه فیض الهی در عالم، در هر برهه ای از زمان، منبع نزول برکات الهی، واسطه روزی تمامی مخلوقات و موجب نگهداری و آرامش عالم هستی، بوده و می باشد (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۲۳). طبق فرمایش حضرت امیر علیه السلام محوریت امام علیه السلام در زندگی، شبیه به محور سنگ آسیاب است که هر چند به ظاهر سنگ، گندم ها را آرد می کند؛ اما اگر محور میان آن سنگ، از بین رفته و برداشته شود، حتی یک دانه گندم نیز آرد نخواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴ / ۹۶). حبیب بن مظاهر با این روایات به خوبی آشنا بوده و از همین جهت در تمام عمر خود، با گفتار و رفتار خود، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام بوده است و این، نشانگر توجه عمیق او به ولایت مداری می باشد.

مصداق های ولایت مداری حبیب

همراهی با ولایت و امامت در زندگانی او به چند برهه زمانی قابل تقسیم است که عبارتند از:

۱. ولایت مداری با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

با توجه به اینکه برخی تاریخ نگاران، سال تولد حبیب را یک سال پیش از بعثت نوشته اند، سال هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه دعوت خویش را آغاز کرده اند، او کودکی بیش نبوده و زمانی که آن حضرت، حاکم مسلمانان بود و در مسند قدرت و حکومت قرار داشت، وی در ایام جوانی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله مشرف شد و توفیق آن را یافت که در شمار

صحابی رسول خدا ﷺ قرار گیرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۴۲؛ سماوی، ۱۳۸۷: ۱۰۲). این قول با برخی روایت‌های تاریخی که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده، مناسب‌تر است؛ چرا که طبق آن نقل‌ها، پیامبر گرامی اسلام ﷺ به حبیب، علاقه خاصی داشت، پیشانی‌اش را می‌بوسید و می‌فرمود: «من او را دوست دارم، زیرا فرزندم حسین علیه السلام را دوست دارد. و جبرئیل به من خبر داد که او از یاران فرزندم حسین علیه السلام در کربلا خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۲۴۲). برخی نیز، او را از تابعین به شمار آورده‌اند. مطابق این قول، وی بیشترین بهره معنوی را از امیرمؤمنان علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام برده است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد (خویی، ۱۳۹۰: ۷ / ۵).

۲. ولایت‌مداری با امیرمؤمنان علیه السلام

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وقایع تلخی که برای امت مسلمان پیش آمد و بسیاری ولایت را تنها گذاشتند، حبیب از جمله کسانی بود که نه تنها در مسیر حق و ولایت علوی ثابت قدم و استوار ماند بلکه در شمار یاران خاص، حواریون و شاگردان ویژه مولای متقیان علیه السلام همانند میثم تمار و زُشید هَجَری و جزو حاملان علوم حضرت علی علیه السلام قرار گرفت (سماوی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

حبیب، از زمانی که امام علی علیه السلام کوفه را مرکز خلافت خویش قرار داد، به این شهر آمد و ساکن آنجا شد و در رکاب آن بزرگوار در همه نبردها حضور داشت. آموخته‌هایش از امیرمؤمنان علیه السلام، او را در علومی همچون فقه، تفسیر، قرائت، حدیث، ادبیات، جدل و مناظره، پیشتاز ساخته بود (همان، ۱۰۲). وی در زمره گروه ویژه از اصحاب حضرت علی علیه السلام در شرطه خمیس بود و از اینجا می‌توان به میزان عشق، اخلاص، فداکاری و اطاعت محض او از مولایش پی برد، چرا که این یاران ویژه، گروه آماده و گوش به فرمانی بودند که در پی مأموریت‌های خاص اعزام می‌شدند و با امیرمؤمنان علیه السلام پیمان شهادت و اطاعت بسته بودند (طوسی، ۱۳۷۳: ۶۰). حبیب، برای هرگونه فداکاری در راه مبارزه با ظلم و حمایت از حق، آمادگی داشت. وی حتی از سرانجام حیات خویش نیز آگاه بود و مولای متقیان علیه السلام او و میثم تمار را از پیش آمده‌های آینده مطلع کرده بود (قمی، ۱۴۱۴: ۲ / ۲۶).

۳. ولایت‌مداری با امام مجتبی علیه السلام

با شهادت حضرت علی علیه السلام در سال چهل هجری، امام مجتبی علیه السلام رهبر مسلمانان شد. اما با اتفاقاتی که پیش آمد و به امضای قرارداد صلح میان آن حضرت و معاویه انجامید، کم‌کم شرایط بر محبتان اهل بیت علیهم السلام سخت‌تر شد. در این دوران، حتی عبیدالله بن عباس، فرمانده سپاه امام حسن علیه السلام به ایشان خیانت کرد، ولی حبیب از چهره‌های بارز شیعه در کوفه و از وفاداران خطِ امامت و در اطاعت امام مجتبی علیه السلام بود. دورانی که تبلیغات امویان بر ضدّ محبتان اهل بیت علیهم السلام گسترده می‌شد و شیعیان در وضع خفقان باری به سر می‌بردند (القصیر، ۱۴۳۱: ۴۹).

۴. ولایت‌مداری با امام حسین علیه السلام

محبت، بصیرت و بالتبع ولایت‌مداری حبیب در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بروز پیدا کرد، برخی از آنها عبارتند از:

۴.۱. نگارش نامه و دعوت از امام علیه السلام

پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام و پس از مرگ معاویه، یزید بر تخت خلافت نشست. امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید امتناع کرد و از مدینه به مکه هجرت نمود. در کوفه، شیعیان در منزل سلیمان بن صرد خزاعی جمع شدند و تصمیم گرفتند از آن حضرت، دعوت کنند تا به کوفه بیاید و با حمایت شیعیان آنجا، بر ضدّ امویان قیام کند. نخستین دعوت نامه‌ای که از کوفه به مکه ارسال شد، به امضای چهار نفر رسید که یکی از آنها حبیب بود (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۷). این نامه در آن شرایط خفقان، روحیه ولایت‌مداری و حق‌محوری حبیب را نشان می‌دهد. چرا که او هم نامه نوشت و هم مثل کوفیان بی‌وفا، امام حسین علیه السلام را تنها نگذاشت.

۴.۲. همراهی با مسلم بن عقیل و جذب نیرو برای او

اهل کوفه، نامه‌های فراوانی برای امام حسین علیه السلام نوشتند. حضرت برای ارزیابی اوضاع کوفه، نماینده خود مسلم بن عقیل را به آنجا فرستاد. در جلسه‌ای که در حضور او تشکیل شد، ابتدا عابس شاکری، آمادگی خود را برای هرگونه ایثار و فداکاری در راه امام علیه السلام اعلام

نمود. پس از سخنان عابس، حبیب اولین نفری بود که سخنرانی کرد و با عزمی استوار چنین گفت: «رحمت خدا بر توباد ای عابس! حرفت را شنیدم. آنچه در دل داشتی با کوتاه‌ترین و رساترین کلمات بر زبان آوردی. به خدای یگانه سوگند، ما هم بر همین عقیده‌ایم» (همان، ۳۸). در مقام عمل نیز حبیب و مسلم بن عوسجه، از فعال‌ترین چهره‌های این حرکت انقلابی بودند که مخفیانه و دور از چشم مأموران حکومت، به نفع حضرت مسلم از مردم بیعت می‌گرفتند. با عوض شدن والی کوفه و آمدن ابن زیاد که سیاست سرکوب و زندانی کردن را پیش گرفته بود، افراد قبیله حبیب و مسلم بن عوسجه، آن دورا مخفی کردند تا از گزند عبیدالله بن زیاد در امان بمانند و در هنگام لازم به جانب داری از حق و ولایت برخیزند (سماوی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

۴.۳. دریافت نامه‌ای خصوصی از امام حسین علیه السلام

به نقلی، هنگامی که امام عاشقان اراده نمود از مکه به سمت کوفه، حرکت کند، نامه‌ای خصوصی به حبیب بن مظاهر نوشت. مضمون این نامه در برخی نقل‌ها، چنین است: «از حسین بن علی بن ابی طالب به دانشمند فقیه، حبیب بن مظاهر: اما بعد، ای حبیب! تو خویشاوندی و قرابت ما را به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانی و ما را بهتر از هر کس می‌شناسی. تو که صاحب اخلاق نیکو و غیرت می‌باشی، در فدا کردن جان در راه ما دریغ مکن تا جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله پاداش آن را در قیامت به تو عطا کند» (القصیر، ۱۴۳۱: ۷۴). این نامه، نشانگر اهمیت حبیب و عظمت صفات اخلاقی او، نزد امام عاشقان است.

۴.۴. لبتیک گفتن به نداء غربت امام علیه السلام و رساندن خود به کربلا

حبیب و مسلم بن عوسجه وقتی از بی‌وفایی کوفیان، و از نزدیک شدن کاروان حسینی به کوفه آگاه شدند، تصمیم گرفتند به امام علیه السلام پیوندند و علی‌رغم اینکه کوفه تحت کنترل بود و ورود و خروج اشخاص زیر نظر حاکم ستمگر، ابن زیاد، قرار داشت اما این دو مرد شجاع و باوفا، روزها را مخفی می‌شدند و شب‌ها راه می‌پیمودند تا سرانجام در کربلا به محضر امام حسین علیه السلام رسیدند (سماوی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

۴.۵. کوشش برای جذب نیرو برای امام علیه السلام

حبیب، هم خودش شیفته فداکاری در راه ولایت بود و هم می‌کوشید دیگران را به این

جبهه فلاح و رستگاری بکشاند. او در روز هفتم محرم با دیدن یاران اندک امام علیه السلام و سپاه فراوان دشمن، از آن حضرت اجازه خواست تا به سمت قبیله اش برود و آنان را به نصرت آن حضرت فرا خواند. امام علیه السلام، اجازه فرمود. او نزد قبیله خود رفت و غربت و محاصره امام علیه السلام و اهل بیت مظلومشان علیهم السلام را در کربلا به آنان خبر داد و از آنها خواست که به یاری حجت خدا و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بشتابند. قوم او اظهار هم بستگی کردند و هفتاد نفر آماده پیوستن به امام علیه السلام شدند. در مسیر حرکت، ابن زیاد از این تصمیم با خبر شد و پانصد سوار از نیروهای خود، به فرماندهی ازرق در پی آنان فرستاد تا مانع پیوستن ایشان به امام علیه السلام شوند. تلاش و مجاهدت حبیب و همراهانش به جایی نرسید و چون دیدند یارای مقابله با سواران کوفه را ندارند، شبانه به خانه های خود بازگشتند، اما حبیب دوباره نزد امام علیه السلام رفت و آنچه را پیش آمده بود گزارش داد. امام علیه السلام نیز فرمود: «هر چه خدا خواهد، همان خواهد شد. هیچ نیرو و قوتی نیست، مگر به قدرت خداوند» (طبری، بی تا: ۴۱۶ / ۵).

۴.۶. دفاع از ولایت در قالب موعظه دشمن

عصرتاسوعا، هنگامی که حضرت سیدالشهدا علیه السلام از دشمن مهلت گرفت تا فردا صبر کنند، حبیب به آنان چنین گفت: «به خدا سوگند، در قیامت نزد خدا، بد مردمی هستند که می خواهند اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروان آنان را که زاهدان، پارسایان، شب زنده داران هستند به قتل برسانند» (همان، ۴۱۵). روز عاشورا نیز زمانی که ابو ثمامه وقت نماز را به امام علیه السلام یادآوری نمود، حضرت در حق او دعای خیر کرد و فرمود: «به آنها بگویید از جنگ دست بردارند تا نماز بگذاریم». در این حال، یکی از افراد سپاه ابن سعد به نام حصین بن تمیم فریاد برآورد که نماز او (امام حسین علیه السلام) پذیرفته نخواهد بود. حبیب از این گفتار برآشفته و گفت: «گمان کردی که نماز از آل رسول صلی الله علیه و آله قبول نمی شود، ولی از توای الاغ (یا شرابخوار) پذیرفته می شود؟» سپس حصین بر او حمله ور شد و حبیب نیز دست به شمشیر برد و با ضربه ای به صورت اسب او کوبید که اسب با شتاب به زمین خورد و بر روی او افتاد (طبری، بی تا: ۴۳۹ / ۵).

۴.۷. تقویت روحیه وفاداری به یاران امام علیه السلام

اوج ادب را در شب عاشورا مشاهده می‌کنیم؛ وقتی نافع بن هلال از گفت و گوی امام حسین علیه السلام با زینب کبری علیه السلام فهمید که آن بانوی شجاع از وفا و ماندگاری اصحاب، اطمینان ندارد، به سرعت خود را به حبیب رساند. او نیز سایر اصحاب را صدا زد و دسته جمعی به سوی خیمه حضرت زینب علیه السلام رفتند و حبیب به نمایندگی از یاران، چنین گفت: «سلام و درود بر شما ای سروران ما، ای خاندان رسالت! این شمشیرهای جوانان شماست که سوگند خورده‌اند تیغ در نیام نبرند، مگر آن که برگردن دشمنانتان فرود آورند و در سینه دشمنانتان بنشانند». امام علیه السلام از خیمه بیرون آمدند و از حبیب و همراهانش تشکر نمود و از خدا تقاضای پاداش نیک برای آنها درخواست کرد (دهدشتی بهبهانی، ۱۴۰۹: ۴ / ۲۷۴).

۴.۸. فرماندهی جناح چپ لشکر در روز عاشورا

صبح روز عاشورا هنگامی که امام حسین علیه السلام لشکر خود را آراست، سمت راست را به زهیر بن قین و جناح چپ را به حبیب بن مظاهر و قلب لشکر به را به برادرش قمر بنی هاشم سپرد. و این نشانگر این است که جناب حبیب، شجاع و معتمد امام حسین علیه السلام بوده است (طبری، بی تا: ۵ / ۴۲۲).

۴.۹. عدم پذیرفتن امان نامه

حبیب و دیگر اصحاب امام حسین علیه السلام از پذیرفتن امان نامه دشمن خودداری کردند و استدلالشان این بود «اگر حسین علیه السلام کشته شود، ما عذری نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نخواهیم داشت» (کشی، ۱۳۶۳: ۲۹۳).

۴.۱۰. همراهی با امام علیه السلام در طول جنگ

یاران امام علیه السلام، یکایک به محضر حضرت می‌رسیدند و اجازه می‌گرفتند و سپس به میدان می‌رفتند و می‌جنگیدند و به شهادت می‌رسیدند. و امام علیه السلام هم گاه به بالین آنها می‌رفتند. به عنوان نمونه، هنگامی که مسلم بن عوسجه بر خاک افتاد، امام علیه السلام و حبیب خود را به بالین او رساندند. حبیب از مسلم خواست اگر توصیه‌ای دارد، بگوید. مسلم



گفت: تورا وصیت می‌کنم که همراه این مرد (امام حسین علیه السلام) باشی و تا جان داری در رکابش بجنگی و به شهادت برسی. حبیب گفت: به خدای کعبه سوگند که چنین خواهم کرد (طبری، بی تا: ۴۳۵/۵).

۴.۱۱. وداع با امام علیه السلام

وقتی حبیب از امام عاشقان علیه السلام اذن وداع خواست، حضرت فرمود: «تویا دگار جدّ و پدرم هستی و پیر شده‌ای، چگونه راضی شوم که به میدان روی!» حبیب، گریست و عرض کرد: «می‌خواهم در نزد جدّت روسفید باشم و پدر و برادرت مرا از یاری کنندگان خود به حساب آورند (اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۴۳۱).

۴.۱۲. رجز خواندن و شهادت در رکاب امام علیه السلام

صبح عاشورا، فرصتی بود که حبیب، این یار غیور امام حسین علیه السلام، عشق و اخلاص و وفای خود را نشان دهد. وقتی به میدان رفت، در دل سپاه دشمن شجاعانه می‌جنگید و این رجزها را می‌خواند: «من حبیب بن مظاهرم. آن گاه که آتش نبرد برافروخته شود، یگه سوار میدان نبردم. شما اگرچه از نظر نفرات از ما بیشترید اما ما مقاوم‌تر و وفادارتریم، حجت و دلیل ما برتر و منطق ما آشکارتر است و ما از شما پروا پیشه‌تر و استوارتریم». سرانجام این فرمانده فداکار پس از هلاکت ۶۲ نفر از سپاه دشمن، در حالی که موهای سفید صورتش از خون سرش رنگین بود، در سن ۷۵ سالگی به فیض شهادت رسید (طبری، بی تا: ۴۳۵/۵).

۴.۱۳. ناراحتی شدید امام علیه السلام از شهادت «حبیب» و دعا برای او

چون حبیب به شهادت رسید، بر امام علیه السلام گران آمد و چهره مبارکش در هم شکسته شد، در حقیقت دعا کرد و فرمود: «خودم و یارانم را به حساب خدا می‌گذارم» (همان، ۴۴۰). این، اوج شکوه و ولایت‌مداری حبیب است که نه تنها عاقبتش ختم به خیر شد بلکه در رکاب امام خود، به فیض شهادت رسید و آنقدر مقرب بود که شهادتش باعث در هم شکستگی چهره امام حسین علیه السلام شد.

تجلی فضایل اخلاقی در زندگانی حبیب بن مظاهر

از مهم‌ترین جلوه‌های ولایت‌مداری، تجلی فضایل اخلاقی امام معصوم علیه السلام در سیره

فردی و اجتماعی محب و شیعه می باشد. بدین معنا که بتوانیم در تمام دوران حیات خود، امامان معصوم علیهم السلام را الگوی خود در زندگی قرار دهیم، اعمال و رفتارمان را مطابق با آنها تنظیم کرده و هر آنچه را احساس می کنیم رضایت اهل بیت علیهم السلام در آن نیست، از آن فاصله بگیریم. برخی از شاخصه های اخلاقی و رفتاری که در زندگانی حبیب بن مظاهر بیشتر جلوه گر و قابل الگوگیری است عبارتند از:

۱. شجاعت

شیخ کشی در رجال (۱۳۶۳: ۲۹۳) می نویسد: «حبیب از آن هفتاد نفر بود که امام حسین علیه السلام را یاری نمودند و کوه های آهن را ملاقات کردند (یعنی لشکر دشمن که غرق در آهن و فولاد بودند) و تیرو شمشیرها را به سینه و صورت خود استقبال می کردند، دشمن به آنها امان می داد و به اموال آزمند می نمود، لکن نه امان نامه آنها را قبول کردند و نه به اموال و وعده های ایشان رغبت نمودند».

۲. بصیرت

یکی از القاب حبیب و سایر یاران امام حسین علیه السلام اهل البصائر است. داشتن بصیرت و آگاهی در هر زمان ضروری است؛ زیرا اگر دارای این ویژگی نباشیم، ای بسا در زمین دشمن بازی کنیم و همان حرف های دشمن را تکرار نماییم. در روز عاشورا، عمرو بن الحجاج از فرماندهان عمر بن سعد رو به لشکر خود کرد و درباره لشکر امام حسین علیه السلام گفت: «همانا شما با افرادی می جنگید که شیران زمان و دارای بصیرت هستند». عمر سعد هم سخن عمر بن الحجاج را تصدیق کرد و گفت: «راست گفتمی، نظر ما همان نظر توست» (شمس الدین، ۱۴۰۱: ۱۸۳).

۳. علم و فقاقت

یکی از ویژگی های حبیب، آشنایی وی با احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بود. طبق نقلی در نامه خصوصی امام حسین علیه السلام اینگونه مدح حبیب ذکر شده است: «از حسین بن علی بن ابی طالب به دانشمند فقیه، حبیب بن مظاهر: اما بعد، ای حبیب! تو خویشاوندی و قرابت ما را به رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانی و ما را بهتر از هر کس می شناسی. تو

که صاحب اخلاق نیکو و غیرت می باشی، در فدا کردن جان در راه ما دریغ مکن تا جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله پاداش آن را در قیامت به تو عطا کند» (القصیر، ۱۴۳۱: ۷۴).

۴. روایتگری احادیث اهل بیت علیهم السلام

روایات مختلفی در زمینه های ولایت و مباحث فقهی از قبیل طواف حج در کتاب های فقهی شیعه از حبیب بن مظاهر ذکر شده است و نشانگر این است که شخص ولایت مدار باید مسیر بزرگان و امامان خویش را با بیان احادیث و ترویج فرهنگشان حفظ نماید (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۳ / ۳۷۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷ / ۳۱۱).

۵. آگاهی از علم لدنی و اخبار غیبی

علاوه بر اینکه حبیب، فقیه و روایتگر احادیث اهل بیت علیهم السلام بود، به خاطر اخلاص و ارادت فراوان وی به حضرت علی علیه السلام از علم منایا و بلایا نیز برخوردار بود و می دانست که افراد مختلف، در چه زمانی و چگونه از این دنیا مفارقت می کنند. از فضل بن زبیر نقل شده که روزی میثم تمار سوار بر اسب خود، از راهی می گذشت. حبیب بن مظاهر سواره بر او گذشت و چنان نزدیک یکدیگر شدند که گردن اسب آنها بهم رسید. حبیب روی مبارک به میثم نمود و فرمود: مردی را می نگرم که در راه دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کنار خانه دارالرزق بر سردار می کشند و شکم او را می شکافند (یعنی ای میثم با تو چنین خواهند کرد). میثم نیز که از علم منایا و بلایا برخوردار بود، فرمود: من نیز مردی را می بینم که برای یاری فرزند دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله بیرون می رود، او را می کشند و سر او را در کوفه می گردانند. راوی گفت: والله روزگاری نگذشت که دیدیم میثم را بر سردار کشیدند و سر حبیب را در کوفه گردانیدند و آنچه خبر دادند همه واقع شد (کشی، ۱۳۶۳: ۲۹۲).

۶. پرهیزگاری و نیکوکاری

از اصحاب امام حسین علیه السلام با القابی نظیر «العُباد التُّساک»؛ عبادت کنندگان و «الاتقیاء الابرار»؛ پرهیزگاران و نیکوکاران یاد شده است (سماوی، ۱۳۸۷: ۹). یکی از مصادیق بارز پرهیزگاری، مراعات در کسب لقمه حلال است. امام حسین علیه السلام خطاب به لشکر عمر سعد فرمود: «شما از من سرپیچی می کنید و سخنان مرا نمی شنوید؛ زیرا

شکم‌های شما از حرام پرو بردل‌هایتان مهرزده شده است». مهم‌ترین درسی که از این عبارت می‌توان گرفت این است که لقمه حرام در زندگی چه اثراتی دارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸/۴۵).

۷. قرائت و حفظ قرآن

نقل شده که حبیب علاوه بر آن که سیمایی جذاب داشت، از کمال معنوی هم برخوردار بود. از او به عنوان حافظ و قاری قرآن نام برده شده است (دریاب نجفی، ۱۳۷۹: ۳۸). این خصلت نیک یعنی تلاوت و حفظ قرآن و تدبیر در معنای آن، در روایات امامان شیعه علیهم‌السلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۱/۹۳).

۸. سحرخیزی و نیایشگری

یکی دیگر از صفات رفتاری لشکریان امام حسین علیه‌السلام آن است که در وقت سحر، اهل نیایش و راز و نیاز با خدای متعال بوده‌اند. لذا حبیب در روز عاشورا خطاب به لشکر دشمن می‌گوید: «چه بد قومی اند آنان که ذریه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و افرادی را که اهل نیایش در سحرگاهان هستند، می‌کشند» (اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۳۹۲). در احوال حبیب نوشته‌اند، وی شب‌ها پس از نماز عشاء تا صبح، قرآن را ختم می‌کرد. این نقل، گواه تهجد و شب زنده‌داری و الفت او با حضرت معبود بوده است (همان).

۹. اخلاق نیک و غیرت

امام حسین علیه‌السلام در نامه خصوصی که برای حبیب نگاشته‌اند او را به صاحب اخلاق نیکو و غیرت توصیف کرده‌اند (القصیر، ۱۴۳۱: ۷۴)، مؤید آن، نقلی است که حتی شب عاشورا، حبیب با یزید بن حُصَین از اصحاب امام علیه‌السلام مزاح می‌کرده است و وقتی او گفت: حالا چه وقت شوخی و خنده است؟ پاسخ داد که چه وقتی بهتر از اکنون سزاوار خنده و مزاح است. به خدا سوگند دیری نخواهد پایید که نیروهای دشمن با شمشیر به ما حمله خواهند کرد و ما در بهشت، حورالعین را در آغوش خواهیم گرفت. همچنین در وصف حالت حبیب در روز عاشورا، آورده‌اند که هرچه به لحظه شهادتش نزدیک می‌شد، چهره‌اش بشاش‌تر می‌گردید و با یارانش بیشتر مزاح می‌کرد، به گونه‌ای که اعجاب ایشان

را برانگیخت (کشی، ۱۳۶۳: ۲۹۳).

۱۰. همسرگزینی مناسب و تربیت صحیح فرزند

برخورد مناسب با همسر و فرزندان، و آموزش مسایل دینی و امام شناسی از جمله اعمالی است که پیشوایان دینی از ما خواسته و عدم مراعات آن را مؤاخذه کرده‌اند؛ درباره زندگی خانوادگی و فرزندان حبیب در تاریخ مطلب زیادی نوشته نشده است. آنچه برجای مانده، حکایتگر این است که یکی از افراد تأثیرگذار در زندگی او، همسرش بوده که مهم‌ترین نقش خود را در زندگی حبیب، در زمان قیام امام حسین علیه السلام ایفا کرده است. وقتی نامه امام علیه السلام به حبیب رسید، همسرش در کنار او بود و از متن نامه باخبر شد و حبیب را به یاری آن حضرت تشویق کرد و گفت: «ای حبیب! تو را به خدا در یاری امام علیه السلام کوتاهی نکن». حبیب او را تأیید کرد و گفت: «می‌روم تا محاسنم با خون گلویم رنگین شود» (حائری، ۱۳۸۹: ۵۳۷). درباره فرزندش نیز نقل شده که قاسم، پسر نوجوان حبیب بود که تحت آموزش و تربیت اسلامی پدر بزرگوارش، در روز عاشورا در کربلا حضور داشت اما به شهادت نرسید. تا اینکه ماجرای شهادت او چند سال بعد به خاطر انتقام از قاتل پدرش رقم خورد (طبری، بی تا: ۵ / ۴۴۰).

۱۱. زهد و بی‌رغبتی به دنیا

به جرأت می‌توان گفت حبیب از جمله افرادی است که حضرت علی علیه السلام درباره آنان فرموده است: «دنیا به آنان روی می‌آورد ولی آنها به دنیا پشت کرده و با بی‌رغبتی و بی‌اعتنایی از کنار آن می‌گذرند» (سید رضی، بی تا: خطبه همام). کسی که اهل دنیا باشد، نمی‌تواند امام علیه السلام را همراهی کند؛ این همان نکته‌ای است که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در یکی از منزلگاه‌ها به آن اشاره کرد و فرمود «مردم بنده دنیا هستند و دین بازیچه‌ای است بر سر زبان‌شان، تا زمانی که معیشت‌شان فراهم باشد، دور آن می‌گردند و زمانی که دچار بلا می‌شوند، دینداران کم هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴ / ۳۸۳). بنابراین کسی که مثل حبیب اهل دنیا و عبد دنیا نباشد، از همه تعلقات دنیا رهاست و زمانی که با حق مواجه شود، خود را شتابان به سمت آن می‌رساند و تا پای

جان، امام خود را همراهی می‌کند و به همین علت نیز هر چقدر به وی پیشنهاد امان و پول فراوان شد، نپذیرفت و گفت: «ما نزد رسول خدا ﷺ عذری نداریم که زنده باشیم، و فرزند رسول خدا ﷺ را مظلومانه به قتل برسانند» (کشی، ۱۳۶۳: ۲۹۳).

نتیجه

حبیب بن مظاهر یکی از الگوهای شایسته در جامعه امروز است که از نظر ولایت‌مداری و فضایل اخلاقی، در اوج بزرگی قرار گرفته است. با دقت در زندگی او شاخصه‌هایی را در ولایت‌مداری ملاحظه می‌کنیم که علاوه بر محبت، باید به آنها مزین شد تا در ادعایمان صادق و از این امتیازات بهره‌مند باشیم. از مهم‌ترین این شاخصه‌ها؛ شناخت عظمت اهل بیت علیهم‌السلام، محبت و عشق همراه با تبعیت از آنها، بیزاری از دشمنان و محور دانستن امام معصوم علیه‌السلام در زندگی است. برخی سال تولد حبیب را یک سال پیش از بعثت و بالتبع در شمار صحابی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوشته‌اند، برخی نیز او را از تابعین، به شمار آورده‌اند، مطابق این قول، وی بیشترین بهره‌مندی را از امیرمؤمنان علیه‌السلام و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام برده است. آنچه حایز اهمیت است حبیب در طول زندگانی با اهل بیت عصمت و طهارت همراه بوده و هیچ گزارشی پیرامون انتقاد او یا سرپیچی از فرمایشات ائمه علیهم‌السلام اظهار ذکر نشده است. برخی از شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری که در زندگانی حبیب بن مظاهر بیشتر جلوه‌گر و قابل‌الگوگیری است؛ شجاعت، بصیرت، فقاہت، پرهیزگاری، حفظ و قرائت قرآن، سحرخیزی، غیرت، همسرگزینی و تربیت صحیح فرزند و بی‌رغبتی به دنیا می‌باشد. به جهت اخلاص و ارادت فراوان حبیب به اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت علی علیه‌السلام، از علم‌منا و بلایا برخوردار بود و می‌دانست که افراد مختلف، در چه زمانی و چگونه از این دنیا مفارقت می‌کنند.



منابع

- ابن داوود، حسن بن علي (١٣٩٢ق)، رجال ابن داوود، نجف، المطبعة الحيدرية.
- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (١٤١٥ق)، الاصابة في تمييز الصحابة، بيروت، دارالكتب العلمية.
- اسماعيلي يزدي، عباس (١٣٩٢ش)، سحاب رحمت، انتشارات دليل ما.
- بستاني، فواد افرام (١٣٧٥ش)، فرهنگ ابجدی، تهران، نشر اسلامي.
- حائري مازندراني، محمد مهدي (١٣٨٩ش)، معالي السبطين، ترجمه رضا كوشاري، قم، وحدت بخش.
- حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعة، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- خويي، سيد ابوالقاسم (١٣٩٥ق)، معجم رجال الحديث، بي جا، مركز نشر الثقافة الاسلامية في العالم.
- درياب نجفي، باقر (١٣٧٩)، «حبيب بن مظاهر اسدي اسوه قاريان»، فرهنگ كوثر، شماره ٣٨.
- دهدشتي بهباني، محمد باقر، الدمعه الساكبه، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- راغب اصفهاني (١٤١٢ق)، مفردات الفاظ قرآن، بيروت، دارالقلم.
- سماوي، محمد طاهر (١٣٨٧ش)، ابصار العين، قم، انتشارات اسوه.
- شمس الدين، محمد مهدي (١٤٠١ق)، أنصار الحسين عليه السلام، بي جا، مؤسسه دار الكتاب الاسلامي.
- شيخ مفيد (١٤١٣ق)، الارشاد في معرفه حجج الله، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- طباطبائي، سيد محمد حسين (١٤١٧ق)، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- طبري، محمد بن جرير (بي تا)، تاريخ الامم والملوك، بيروت، التراث العربي.
- طريحي، فخرالدين (١٣٧٥ش)، مجمع البحرين، تهران، نشر مرتضوي.
- طوسي، محمد بن حسن (١٣٧٣ش)، رجال الطوسي، قم، مؤسسه النشر الاسلامي.

- طهرانى، سيد محمد حسين (١٤٢٦ق)، امام شناسى، مشهد، انتشارات علامه طباطبايى.
- قائدان، اصغر (١٣٨٧ش)، عتبات عاليات عراق، تهران، مشعر.
- القصير، على (١٤٣١ق)، حياة حبيب بن مظاهر الأسدى، كربلا، العتبة الحسينية المقدسة.
- قمى، عباس (١٤١٤ق)، سفينة البحار ومدينة الحكم والآثار، قم، انتشارات اسوه.
- كشى، محمد بن عمر (١٣٦٣ش)، اختيار معرفة الرجال، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
- مامقانى، عبدالله (١٤٢٣ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، قم، نشر مامقانى.
- مجلسى، محمد باقر (١٤٢٣ق)، زاد المعاد، بيروت، مؤسسه أعلمى.
- _____ (١٤٠٣ق) بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- مصطفوى، حسن (١٤٣٥)، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، بيروت، دار الكتب العلمية.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی